





سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



# جهانگردانان

## آیین های گیلانی

- دیارتمان ایده پردازی
- آیین آفتاب خواهی و باران خواهی
- آیین ها و سنت های ازدواج در گیلان





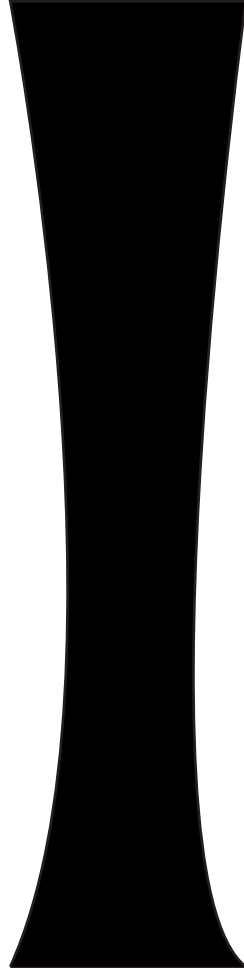
فصلنامه	جهانگردشگر
نوع نشریه	فرهنگی- اجتماعی
سال اول	شماره اول
ناشر و محل چاپ	معاونت فرهنگی دانشگاه گیلان
صاحب امتیاز	انجمن علمی گردشگری دانشگاه گیلان
مدیر مسئول	زهرا حیدرنسب
سردبیر	زهرا حیدرنسب
هیئت تحریریه	زهرا حیدرنسب سهیلا نورانیان مژده شاغلانی غزل گلیایی نغمه رفعتی معصومه مهدوی علیرضا نعمتی فرزانه پورطالب
مدیر اجرایی	سهیلا نورانیان
ویراستار	گلناز شهشانی
صفحه آرا	مهسا زارع
طراح جلد	محدثه احمدی
عکاس	محدثه احمدی عباس آشوری

# فهرست مطالب

۴	..... سخن سردبیر
۵	..... مقدمه
۶	..... سرگرمی های عامیانه مردم گیلان
۶	..... (۱) کشتی گيله مردی
۷	..... (۲) لافند بازی
۸	..... وسایل و ابزار لافندبازی
۱۰	..... (۳) نقالی
۱۱	..... (۴) ورزا جنگ
۱۲	..... آیین ها و مراسم هایی که در طول زندگی یک فرد انجام میشود
۱۲	..... (۱) فرزند خواهی و آداب و رسوم تولد
۱۳	..... (۲) دندون فروشون (گاز ویشون)
۱۴	..... (۳) ختنه سورون
۱۵	..... (۴) ازدواج
۱۵	..... انتخاب همسر
۱۶	..... مراسم های دوران نامزدی
۱۷	..... عقدکنان
۱۷	..... شیرینی خوران
۱۸	..... حنابندان
۱۹	..... گیشه بری
۲۰	..... آیین ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری قرار می گیرد
۲۰	..... (۱) رسم ها و آیین های شب اول ماه
۲۱	..... (۲) مراسم ماه محرم
۲۱	..... روضه خوانی
۲۲	..... دسته گردانی
۲۳	..... قمه زنی
۲۳	..... زنجیرزنی
۲۴	..... شام غریبان
۲۵	..... دسته قوم بنی اسد
۲۵	..... کرپ زنی
۲۵	..... قفل زنی

# فهرست مطالب

۲۶	..... تعزیه
۲۸	..... آیین ها و مراسم هایی که در گردش یک سال خورشیدی انجام میشود
۲۸	..... (۱) آیین های پیش نوروزی
۲۸	..... خرسه بونی
۲۹	..... آتش بازان
۳۰	..... نوروزی خوانی
۳۲	..... رابچره
۳۳	..... عروس گوله
۳۵	..... نوروز
۳۷	..... هفت سین
۳۸	..... لحظه تحویل سال، نوروز در گیلان
۴۰	..... چهارشنبه سوری
۴۳	..... (۲) شب چله
۴۵	..... شب چره نوعروسان
۴۵	..... شم شمی
۴۶	..... فال های شب یلدا
۴۷	..... تیرماه سیزه
۴۹	..... آیین ها مراسم های مربوط به فعالیت های تولیدی
۴۹	..... (۱) آیین باران خواهی در گیلان
۵۰	..... (۲) آیین آفتاب خواهی در گیلان
۵۱	..... مصاحبه با دکتر حمیده بیگی
۵۵	..... دپارتمان ایده پردازی



## سخن سردبیر

بی شک انتشار هر نشریه، همانند طلوع باریکه ای از نور در عرصه آگاهی و دانش است. هم اکنون که در سایه عنایت الهی اولین شماره نشریه «جهانگردشگر» انتشار می‌یابد، لازم میدانم که از تمامی دوستانم در انجمن و به ویژه دانشجویان مستعد که با مشارکت و همکاری خود زمینه شکوفایی و انتشار این نشریه را فراهم کردند؛ تشکر و قدردانی کنم.

از جمله اهدافی که من، تیم تحریریه و انجمن به وسیله انتشار این نشریه به دنبال آن هستیم: (۱) آشنایی بیشتر با صنعت گردشگری است؛ صنعتی که امروزه به یکی از بزرگترین صنایع اقتصادی دنیا تبدیل شده است.

(۲) شناخت و آگاهی نسبت به پتانسیل‌هایی که در این صنعت عظیم وجود دارد. صنعتی که می‌تواند در شرایط کنونی مرهمی بر زخم‌های اقتصادی کشور باشد، صنعتی که می‌تواند پلی برای ارتباط با دنیا و نشان دادن چهره واقعی مردم و کشورمان باشد، صنعتی مستقل از نفت و تحریم و صنعتی که پیام آور صلح و دوستی بین ملل مختلف در جهان است.

امید داریم که با همکاری یکدیگر بتوانیم نقشی کوچک در شکوفایی این صنعت در کشور ایفا کنیم، هر چند که می‌دانیم در ابتدای راه هستیم.

## مقدمه

شاید برایتان جالب باشد که "چرا برای این شماره از نشریه، ما به موضوع آیین ها و مراسم های گیلانی پرداختیم؟"

فهم این نکته که حفظ برگزاری این آیین ها به خودی خود یکی از جاذبه های صنعت گردشگری است و علاقه مندان بسیاری نیز دارد، حائز اهمیت و توجه ویژه است. در نتیجه حفظ و احیای این آیین ها که از یک سو نشان دهنده تاریخ و فرهنگ مردم است و از سوی دیگر منافع بسیاری را برای جوامع محلی در بر دارد، باید جایگاه بخصوصی در زندگی ما داشته باشد؛ چرا که حضور این آیین ها در زندگی روزمره ما کمرنگ شده و حتی به دست فراموشی سپرده شده است که یکی از دلایل آن را میتوان تغییر سبک زندگی مردم و روی آوردن آنها به زندگی شهری و مدرن و همچنین ورود تکنولوژی به زندگی محلی دانست.

یکی از راه های حفظ و احیای این آیین ها، بالابردن آگاهی و شناخت جامعه محلی نسبت به آداب و رسوم بومی و بهره مندی از سود و منفعت حاصل از برگزاری این آیین ها توسط جامعه محلی می باشد. بنابراین برای تشویق جامعه محلی نسبت به برگزاری و اجرای دوباره این آیین ها و رسوم ها، باید منافع و اهمیت این امر را ذکر کرده و اعتماد و همکاری آنها را جلب نماییم.

## سرگرمی های عامیانه مردم گیلان

در ابتدا یکی از کشتی گیران وارد میدان می شود و مبارز میطلبد.

سپس پهلوان دیگری وارد میدان می شود و با زدن کف دو دست به هم «چگال»، اعلام آمادگی میکند. دو حریف با تکان دادن دست ها و گاهی با مشت کردن دست ها به طرف هم خیز بر می دارند. زمین خوردن به هر شکلی به معنای باختن است.

۱) کشتی گيله مردی: مراسم کشتی گيله مردی هر ساله هنگام اعیاد و عروسی ها و همچنین از اواخر خرداد تا پایان شهریور، بعد از فراغت از کشت برنج انجام می گیرد. در این مراسم سُرنا نوازان و نقاره چی ها پهلوانان را همراهی می کنند. داوری کشتی با پهلوانان قدیمی و پیشکسوت است. پهلوانان ابتدا در یک صف وارد می شوند و مراحل نیایش «دزمه» را اجرا می کنند. سپس هر یک از پهلوانان به نوبت از صف خارج شده و با گام نهادن در میدان، چند جهش کرده و پس از معرفی خود، در جای مخصوص می نشینند.





۴) لباس: لباس لافندباز نوعی لباس پهلوانی است که بی شباهت به لباس زورخانه ای نیست. این لباس سبک و چسبان است و بسته

به سلیقه روی آن تزئیناتی صورت میگیرد. لباس یالانچی نیز تقریباً شبیه به لباس حاجی فیروز است: پیراهن قرمز، شلوار زرد یا سیاه، کلاه بوقی و شیطان و صورت خود را نیز با زغال یا مواد رنگی سیاه میکند.

در ابتدا یالانچی وارد میدان شده و عربده جویی میکند. پهلوان پس از او وارد میدان شده و می‌خواهد بالای طناب برود که

یالانچی جلوی او را می‌گیرد و با حرکات خنده دار مانع میشود. بنابراین پهلوان با او کشتی می‌گیرد و او را زمین می‌زند و بالای طناب می‌رود و شعری می‌خواند که در میان لافندبازان به «فهلویات» مشهور است و یالانچی نیز تقلید پهلوان را در می‌آورد.

شعری با این مضمون:

خیمه به دشت کربلا	الله به الله زدم
	زدم
دست بر دامان علی ولی	آب آمد خیمه ما راببرد
	الله زدم
بر دلم آگاه تویی	الله تویی
دلیل هر راه تویی	درمانده منم
قنبر غلام علی	من غلام قنبرم
	قربان آن زبانی که بلند بگوید یا علی

و سپس شروع به انجام حرکات نمایشی بر روی طناب می‌کند.

۳) **نقالی:** از هنرهای بومی در اوقات فراغت مردم، نقالی بود که به دو شکل عمومی و خانوادگی برگزار می‌شد. در شکل عمومی آن، درویشی در قهوه خانه می‌نشست و با نقل داستان‌های شیرین و یا نقل داستان‌هایی از شاهنامه، افراد را سرگرم می‌کرد. در نقالی خانوادگی اعضای یک یا چند خانواده نزدیک دور هم جمع می‌شدند و کهن‌سالترین فرد خانواده با نقل حکایت های عامیانه محلی، آن‌ها را سرگرم می‌ساخت.

چنانچه اگر دست، انگشت و یا زانو با زمین تماس پیدا کند، کشتی‌گیر بازنده اعلام می‌شود.

لباس کشتی‌گیران بدون پیراهن می‌باشد و شامل شلوار بلند منقوش و گلدوزی شده ای است که در امتداد میچ پا تنگ می‌شود و بدان "لاسپاره" گویند و همچنین بازوبندی که پهلوانان به بازو می‌بندند.

۲) **لافند بازی:** این بازی که با نام های طناب بازی، رسن بازی، داربازی و ... خوانده می‌شود، پیشینه تاریخی طولانی دارد و در میان مردم از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است. گروه لافند بازی از افراد زیر تشکیل می‌شود:

۱) پهلوان لافندباز: که حرکات پهلوانی را روی طناب انجام می‌دهد.

۲) یالانچی: دستیار پهلوان است که به او شیطان یا شیطانک نیز می‌گویند.

۳) سرناچی یا نوازنده سرنا

۴) نقره‌چی یا دهل زن یا نقره‌زن

لافند بازی عمدتاً در فصل تابستان و در اعیاد و جشن‌ها، ایام نوروز و سیزده به در و در برخی عروسی‌ها برگزار می‌گردد.

### وسایل و ابزار لافندبازی:

۱) لافند «طناب»: معمولاً از جنس کنف است و ۲۰ متر طول دارد. از ۴ لایه سه رشته‌ای تابیده شده و وزن آن حدود ۴۰ کیلو است.

۲) ۴ عدد تیر چوبی یا لایه آهنی که هر کدام حدود ۵ یا ۶ متر طول دارد، برای وصل کردن دوسر طناب.

۳) لنگر: چوبی است که طول آن حدود ۵ متر است و لافند باز جهت حفظ تعادل خود بر روی طناب از آن استفاده می‌کند.



#### ۴) ورزا جنگ:

یکی از بازی ها و سرگرمی های بومی گیلان که شامل جنگ حیوانات برای سرگرمی و تفریح است. در گیلان دو نوع ورزا وجود دارد؛ اول گاو نری که زمین را شخم می زند که به آن کاری ورزا گویند و دیگری گاو نر جنگی.

آرایش ورزاها از رسوم متداول قبل از وزراجنگ محسوب می شود. شیوه آرایش به این صورت بود که به پیشانی ورزاها حنا می بستند که نشانه نیک بختی و پیروزی بود. اطراف کوهان را با بند بسته و بر این بند دعاهایی که در کیسه های کوچک و ابریشمی دوخته شده بود، آویزان می کردند. صاحبان ورزا اغلب برای جلوگیری از چشم زخم، تخم مرغی را به یک روحانی یا ملا می دادند تا ادعیه ای روی آن نوشته و بر پیشانی حیوان می شکستند.

در آغاز وزراجنگ، آن ها را به دور میدان می گرداندند تا مورد تشویق تماشاگران قرار گیرند و سپس آن ها را خارج میدان می بستند. صاحبان ورزا نخست درپاره قدرت و توانایی های ورزشی خود می گفتند و برای هم گری می خوانند و سپس طناب را از گردنشان باز کرده و به زمین می افکندند. ورزاها پی در پی زانو روی زمین گذاشته و شاخ های خود را در خاک فرو میکنند و یا سم خود را بر زمین می کشند. آنگاه دو ورزا در فاصله یک متری در مقابل یکدیگر قرار می گیرند و با

شاخ های تیز خود به یکدیگر حمله ور می شوند، گاوداران نیز در نزدیکی آنها قرار می گیرند و با چماق های کلفت آن ها را تحریک می کنند. جنگ آنقدر ادامه میابد تا یکی از ورزاها شکست بخورد، شدیداً مجروح شود و بیفتد و یا فرار کند. و در نهایت، ورزشی که آسیب و جراحت های جدی دیده باشد، در همان میدان به قصابانی که همیشه در این نمایش ها حضور دارند فروخته می شوند. دوستان و طرفداران صاحب ورزشی پیروز، چماق های خود را در هوا به حرکت در می آورند یا آن ها را به یکدیگر می زنند؛ این کار را چوب جنگ گویند.





## آیین ها و مراسم هایی که در طول زندگی یک فرد انجام می شود

در این قسمت آیین ها و مراسم هایی مورد بررسی قرار می گیرد که به مقاطع مختلف زندگی فرد، از تولد تا مرگ مربوط است و در گیلان شامل آیین ها و مراسم های مرتبط با تولد، دندان درآوردن، ختنه سورون و ازدواج می شود.

### ۱) فرزند خواهی و آداب و رسوم تولد

از آنجایی که در خانواده های سنتی و به ویژه روستایی، فرزند آوری به خصوص برای زنان از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ از این رو زنان برای بارور شدن به تمهیدات ویژه ای می پردازند، از جمله نذر کردن و یا روشن کردن شمع در بقعه ها و امامزاده ها و یا دخیل بستن به مکان های نظر کرده مانند بستن پارچه ای بر روی درختان مقدس و قراردادن یک تکه چوب در آن به نشانه بچه. علاوه بر فرزند خواهی، به دنیا آوردن فرزند پسر نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. در سال های پیشین زمانی که عروس را سوار براسب به خانه داماد می آوردند؛ قبل از پیاده شدن عروس و به نیت پسر دار شدن وی، یک پسر بچه را در جلوی اسب سوار می کردند.

### ۳) ختنه سورون

این مراسم از ترکیب دو کلمه ختنه و سورون است که سورون به معنای جشن است و یکی از نشانه های مسلمانی است که در گیلان با جشن و مهمانی همراه است. در ماسال و شاندرمن، کسانی که در سنین پیری صاحب فرزند پسر می شوند به این خاطر که شاید در عروسی فرزندشان حاضر نباشند، در ختنه سورون به اصطلاح عروسی می گیرند. در این جشن نوازنده خبر می کنند، شام و یا ناهار می دهند و کسانی که به دیدن بچه می آیند معمولا هدیه ای را با خود می آورند.

### ۲) دندون فروشون (گاز ویشون)

برای دندان درآوردن فرزند تازه متولد شده، تقریباً در همه جای گیلان مراسم و میهمانی می گیرند که با مواد اصلی غذای مردم یعنی: گندم، برنج، عدس، لوبیا و نخود از میهمانان پذیرایی می کنند و مقداری را نیز برای همسایگان می فرستند. همچنین در ماسال و شاندرمن، برای این مهمانی برنج و گندم را برشته می کنند و بچه ها را در وسط حیاط می نشانند؛ درحالی که میهمانان گرداگرد آن ها، روی سر خردسالان از دانه های برشته می ریزند.



## ۴) ازدواج



انتخاب همسر: مراسم عروسی قسمت های مختلفی را شامل می شود که ترتیب آن در همه جا یکسان نیست. نخستین و اساسی ترین مرحله ازدواج انتخاب همسر است. در روستاهایی که دارای ساختار کشاورزی و دامداری هستند، دختر و پسر در جریان کارهای روزانه مشارکت دارند و اغلب همسران خود را در جریان همین برخوردها و همچنین در مراسم های عمومی مانند: محرم، عروسی ها و در بازارهای هفتگی انتخاب می کردند.

در برخی از روستاهای نزدیک سیاهکل رسم بود که اگر پسری دل به دختری می بست، سحرگاه وقتی خانواده دختر گاوهایشان را بیرون می فرستادند؛ پسر بالای درختی می رفت و برای گاوها ایچین می زد و پدر دختر با دیدن او پی به ماجرا می برد و موضوع را در خانه مطرح می کرد و در صورت موافقت اهل خانه، زن خانه در همان روز غذایی تدارک می دید و کسی را به سراغ پسر می فرستاد و او را برای ناهار دعوت می کرد. دختر اگر گوشه چشمی به پسر داشت با بیرون رفتن از خانه موافقت خود را اعلام می کرد.



### مراسم های دوران نامزدی

- دختری که نامزد دارد در حین دوران شالیکاری به همراه چندتن از دوستانش به کمک مادر نامزد خود می رود که معمولاً با دایره زنی و ترانه خوانی دختران همراه است و همچنین در این روز مادر هدیه ای به عروسش می دهد.  
- جوکول: خوشه نیمه رس شالی است که تازه دانه بسته است. در واقع هدیه ای است که دختران نامزد دار برای خانواده شوهرشان تهیه می کنند. در این مراسم سنبله های خوشه را از غلاف جدا کرده و بر روی آتش برشته می کنند که در برخی روستاها چیدن خوشه ها با خانواده عروس و برشته کردن آن با خانواده داماد است.

- مراسم هیمه بار: یا جمع کردن هیزم برای مجلس عروسی، که در آن دوستان داماد برای تهیه هیزم مجلس عروسی به جنگل می رفتند و بعد از جمع کردن هیزمها آن را بار حیوانات می کردند و با بستن زنگ های پر سر و صدا به گردن حیوانات، ورودشان به آبادی ها را با شور و شادی خبر می دادند و بخشی از هیزم ها را به خانه عروس و بخشی دیگر را به خانه داماد می فرستادند.

### عقدکنان:

عقد در خانه عروس برگزار می شود که لوازم مراسم عقد مانند: کفش و لباس عروس، آئینه چراغ، کله قند و شیرینی، عسل و نبات و برنج و روغن و ... را سوار چند قاطر کرده و با ساز و دهل به خانه عروس می فرستند.

### شیرینی خوران:

مراسمی است که بعد از عقد انجام می شود و اولین شبی است که داماد در خانه عروس می ماند. در این مراسم که معمولاً باید بهانه ای برای ماندن داماد پیدا شود، همراهان داماد کفش او را پنهان می کنند و معمولاً با شوخی ها و گفت و شنودهایی همراه است. به این ترتیب پای داماد به خانه نامزد عقد کرده اش باز می شود.



## بردن وسایل عقد به خانه عروس

حنابندان:

عروس با ناراحتی و اشک از او خداحافظی می‌کنند. عروس زیر باران شاباش و نقل و گل، پا از خانه ی پدری بیرون می‌گذارد و اگر داماد نزدیک باشد، با پای پیاده و اگر

- در ماسال و روستاهای اطراف آن، در خانه عروس حنا را در ظرفی خیس می‌کنند و دست و پای عروس را حنا می‌گذارند و دستمالی که مقداری حنا در آن است را کف دست داماد قرار می‌دهند.

- در هشتپر، شب حنابندان سر و صورت داماد را اصلاح کرده و انگشتش را حنا می‌گذارند و سپس شمعی روشن در ظرف حنا قرار می‌دهند و آن را دور می‌گردانند و برای داماد پول جمع می‌کنند.

نه، او را سوار بر اسبی مزین و آراسته که باید جنس نر باشد، کرده و همراه با ساز و دهل و آواز راهی می‌کنند. در میان راه داماد به همراه دو تن از ساقدوش هایش به پیشواز عروس می‌رود و یک پرتقال، نارنج و یا تکه ای قند به نیت برکت خواهی به سمت عروس پرتاب می‌کند.

- در دیلمان، زن آرایشگر کف دست عروس را حنا می‌بندد و برایش شعرهای حنا سری می‌خواند و در آخر هر یک از بند های شعر، حاضرین "مبارک باد" می‌گویند.

گیشه بری:

بردن عروس به خانه داماد را اصطلاحاً گیشه بری گویند. برای این کار عده ای از خویشان نزدیک داماد به خانه عروس می‌روند و پارچه ای توری روی سرش می‌اندازند و در میان هلهله و شادی، پدرش او را از زیر قرآن رد می‌کند و خانواده

در برخی نقاط گیلان نیز رسم بود، زمانی که عروس به خانه داماد می‌رسید مادر شوهر جلوی در با دو قاشق چوبی شروع به رقص می‌کرد و آنقدر ادامه می‌داد و آنقدر قاشق‌ها را به هم می‌کوفت تا یکی از قاشق‌ها شکسته شود و سپس قاشق شکسته را از بالای سر عروس بر پشت بام خانه پرتاب می‌کرد. همچنین هنگامی که او مشغول رقصیدن بود، جوانان بر صورتش آرد می‌پاشیدند. علاوه بر اینها، ورود عروس به خانه داماد همواره با دادن هدیه به عروس همراه است. در برخی نقاط گیلان، پس از پا نهادن به خانه جدید عروس و داماد به اتفاق هم دور حوض یا چاه آب موجود در آن خانه می‌گردند و عروس سکه‌ای در آب حوض (یا چاه) می‌اندازد.



## آیین ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری قرار می‌گیرد:

منظور آیین هایی هستند که در گردش یک سال قمری قرار می‌گیرند و برگزاری آنها به روز یا روزهای معینی از این تقویم وابسته است. آیین ها و مراسمی که بر اساس این تقویم انجام می‌گیرند، عمدتاً در شمار مراسم مذهبی اسلامی هستند.

روضه‌خوانی معمولاً تا آخر ماه صفر ادامه می‌یابد. از این مجالس برای طرح مسائل و مشکلات اجتماعی به خصوص در روستاها برای جلب همیاری مردم در امور عمرانی استفاده می‌شود.

-دسته گردانی:

حرکتی است جمعی، هم آوا و هم آهنگ و نمودی است از وحدتی شکوهمند. دسته گردانی در بنیاد و اصل خود، حرکتی است در جهت تحرک بخشیدن به مردم، به گونه‌ای صف آرایی در برابر دشمن، و یک بسیج برای مقابله با ظلم و ستم که از دل فرهنگ مبارز تشیع سربرآورده است.

از جمله در ماسوله مراسم باید از محله‌ای که امامزاده در آن قرار دارد و مسجد نامیده می‌شود آغاز گردد. ابتدا باید صدای سنج این محله بلند شود و اگر یکی از سنج زنان محله‌های دیگر در این کار سبقت جوید، بنا به رسم باید جریمه شود. همچنین اول باید علم این محله بسته شود. در ماسوله شب ششم ماه به طوق بندی اختصاص دارد. به طور کلی در همه جای گیلان تا شب هفتم محرم کار علم‌بندی پایان می‌یابد و مراسم رسمی و عمومی عزاداری آغاز می‌شود که این مراسم شور و هیجانی چشمگیر دارد. نذری می‌آورند، شمع روشن می‌کنند، حاجت می‌خواهند، سینه می‌زنند و به اشک چشم عقده غم‌هایشان را باز می‌کنند.

قمه زنی: قمه زنان لباس سفید بلندی می‌پوشند، سرشان را می‌تراشند و پیشان را برهنه می‌کنند و (حیدر حیدر) گویان و هماهنگ، قمه را بر سر و پیشانی خود می‌زنند. چهره و لباس سفید به خون آغشته قمه زنان، قمه‌های خون آلود، آهنگ مقطع و پرتنین (حیدر حیدر) و گام‌های محکم و سنگین آن‌ها، که با گفتن هر حیدر یک نیم گام برمی‌دارند، شکوه و ابهتی هراسناک دارد. قمه‌زنان کفن‌پوشانی هستند که نمادی از گروه شهیدانند و قمه زنی، حرکتی نمادین از شهادت است که در روز تاسوعا و عاشورا انجام می‌شود. این مراسم از باورهای غلط بوده که امروزه نیز در حال فراموشی است و کمتر جایی برگزار میشود.

### الف) رسم ها و آیین های شب اول ماه:

دیدن ماه نو، یا هلال اولین شب ماه، آداب و رسم‌های بخصوصی دارد که تقریباً بیشتر مردم آن‌ها را رعایت می‌کنند. ماه نو را باید با رویی خوب دید، یا با چیزهایی که جلوه‌ای از نور و روشنایی و سرسبزی باشد. بر پایه این باور نظر افکندن بر روی کسانی که دیدارشان به فال نیک گرفته شده یا آینه، آب، سبزه، انگشتر عقیق و از این قبیل چیزها شگون دارد. اگر قرآن در دسترس باشد، با احترام می‌گشایند و آیه‌ای از آن می‌خوانند. در آبادی‌های کوهستانی دیلمان، سه مشت آب به هوا می‌پراکنند و آب و ماه را باهم می‌بینند و صلوات می‌فرستند. در مورد شب اول ماه، رسم‌هایی شبیه رسم‌های آغاز سال وجود دارد. از جمله این که شخص خوش قدمی باید به خانه بیاید و شاخه‌ای شمشاد، یا برگی سبز به چفت در اتاق بیاویزد. در مناطق شرقی گیلان و حدود دیلمان از هنگام غروب چراغ روشن می‌کنند و آن را تا صبح روشن می‌گذارند. از رفتن به خانه دیگران پرهیز می‌نمایند و با اینکه بسیار مهمان نوازند، آمدن مهمان در این شب را خوب نمی‌دانند.

ب) مراسم ماه محرم: ماه محرم با مراسم و آیین‌های آن، دارای جایگاه برجسته‌ای در زندگی مردم می‌باشد. روضه‌خوانی، دسته گردانی و تعزیه‌خوانی سه گونه عمده عزاداری ماه محرم است که در حد مجال این پژوهش به هر یک می‌پردازیم.

-روضه‌خوانی:

بازاریان رشت سرا و سر درهای بازار را برای روضه‌خوانی سیاه پوش می‌کنند. در روزهای دهه اول ماه محرم موضوع روضه‌خوانی هر روز تقریباً مشخص است. به ویژه در روزهای هفتم تا دهم که به مرتبه‌خوانی برای حضرت علی‌اکبر، حضرت قاسم، حضرت عباس و امام حسین(ع) اختصاص دارد.

تعزیه : تعزیه از مهمترین، پرشورترین و پر جاذبه ترین مراسم های سنتی مذهبی و در عین حال کامل ترین گونه نمای سنتی و مردمی ایرانی است. و در گیلان از هر دو جهت یاد شده دارای جایگاه ویژه ای می باشد.

در گیلان تعزیه خوانی نیز در روزهای سوگواری امام حسین «ع»، در ماه محرم و نیز در برخی از ماه ها برگزار می شود. تعزیه خوانی در گیلان از جهت روش و شیوه اجرا و همچنین نوع تعزیه میتوان گفت که تحت نفوذ و تاثیر قزوین است.

در گیلان تعزیه خوان ها محلی هستند و گروه های تعزیه خوان گیلان، تا شهر ها و روستاهای جلگه ای مازندران هم می روند. گاهی هر تعزیه را چند قسمت می کردند و هر قسمت را در یک تکیه اجرا می کردند و مردم هم به دنبال تعزیه خوان ها از یک تکیه به تکیه دیگر می رفتند تا بقیه تعزیه را تماشا کنند.

در گیلان علاوه بر مجالس عمومی تعزیه خوانی، مجالس خاص زنانه هم وجود داشت و زنان نیز مانند تعزیه خوان های مرد از لباس و ابزار و وسایل رزمی استفاده می کردند.

صاحبان نقش ها در یک گروه تعزیه خوانی عبارتند از: امام خوان، زنانه خوان، شعر خوان، شهادت خوان، علی اکبر خوان و وردست مخالف یا تحت خوان. سرپرست تعزیه نیز خوان میرزا نام دارد. تعزیه گردان هم هست که نقش افراد را تعیین می کند و محاسبه ی دست مزد هم با اوست.

زنجیرزنی: منسجم ترین دسته های عزاداری در شهرها و روستاهای گیلان هستند. زنجیرزنی در گیلان نسبت به سایر اشکال دسته گردانی جدیدتر می باشد و از حدود بیست، سی سال پیش معمول شده و در واقع جایگزین قمه زنی گردیده است.

شام غریبان: در این شب عزاداران در دو یا سه دسته جدا جدا حرکت می کنند، به صورت انبوه با هم می نشینند، سرها در هم فرو می برند، دست ها را آرام و بی صدا به سر می زند و با صدایی محزون، غریبانه نوحه ای می خوانند که حکایت از جست و جوی کودکی گمشده را دارد:

طفل صغیری ز حسین گم شده، گم شده

قامت زینب ز الم خم شده، خم شده

در منطقه تالش در شب شام غریبان بچه ها را با طناب

و زنجیر می بندند و همانند کودکان اسیر همراه دسته

می گردانند. در نومندان به لحاظ شمع ها و چراغ هایی که در

دست بچه ها است، شام غریبان را چراغ کشی می نامند.

دسته قوم بنی اسد: بنا بر روایات تاریخی، قوم بنی اسد از اعراب ساکن در ساحل فرات بودند و روز سوم عاشورا به محل قتلگاه رفتند و اجساد شهیدان را دفن کردند. این دسته در دوازدهم محرم، سومین روز شهادت امام به راه می افتند. افراد این دسته لباس های بلند و سفید می پوشند و بیل و کلنگ همراه بر می دارند و چنین می نمایند که برای دفن شهیدان کریلا می روند.

-کرب زنی: کرب قطعه چوبی تراشیده شده، به اندازه ای

که در کف دست جا می گیرد و سطح بیرونی آن صاف می باشد. در پشت آن بندی قرار دارد که به پشت دست می افتد.

کرب در کف دست قرار می گیرد و انگشتان بر گرد آن

حفاظ می شوند. یک جفت کرب را در دست گرفته و همراه با

نوحه ای که خوانده می شود، آنها را به هم می کوبند. کرب زنی

در لاهیجان، لنگرود و آستارا و در سایر مناطق ایران از جمله

آذربایجان، مازندران و هرمزگان معمول بوده است.

قفل زنی: در لنگرود، لاهیجان و آستارا چند روز قبل از

محرم، برخی از عزاداران به حمام رفته و پوست بدنشان را نرم

می کردند و از زیر لباس قفل، کلید، حلقه، زنجیر و چیز های

دیگر به خود می آویختند و همراه دسته های عزادار حرکت

می کردند. اینها را چار آینه هم می نامیدند.









آتش بازان  
عکاس: محدثه احمدی

آیین ها و مراسم هایی که در گردش یک سال خورشیدی انجام می شود.

## آیین های پیش نوروزی

### خرسه بونی

از آیین های پیش نوروزی مردم گیلان به ویژه شهر رشت، مراسم خرس بازی بود. خرسه بون از آیین و فرهنگ مردم کوهستان های اردبیل، آذربایجان و گاه تالش می آید. در این مراسم خرسی را به زنجیر می کشند که حدی دست آموز است و حرکات نمایشی طنزگونه و خنده داری برای حضار اجرا می کند. خرس بان در حالی که زنجیر خرس را می کشید در کوچه های شهر به راه می افتاد و هر چند قدم یک بار با صدای بلند تکرار می کند:

خرسی، خرسی بازی بوکون

صابه دیلا راضی بوکون

پسران و دختران نوجوان و کودکان بازیگوش نیز همواره همراه خرس باز بودند و آنگاه که مردم او را به خانه های خود دعوت می کردند، تعدادی از آنها زیرکانه همراه خرس باز وارد خانه ها می شدند و به تماشا می ایستادند.

در داخل خانه مرد خرس بان با حرکت دادن چماقی که در دست داشت و با بر زبان آوردن کلماتی آهنگین خرس را به هنرنمایی وا می داشت.

### آتش بازان

آتشبازان با صورت های سیاه از دوده و ذغال، از گروه های پیش نوروزی بودند که از نیمه دوم اسفندماه در شهرها و روستاها پیدا می شدند. آنها دو نفر بودند که گاه با لباس معمولی و کلاه بوقی و گاه در هیبت حاجی فیروزهای تهرانی هنرنمایی می کردند.

نفر اول که به وی غول آتش باز می گفتند، کار آتش بازی را انجام می داد در دست چپ ظرف حلبی حاوی نفت و چند میله ی نازک بیست یا بیست و پنج سانتی داشت، بر روی هر میله به اندازه گردویی متوسط، چون مشعل، پارچه ای کهنه پیچیده شده بود. نفر دیگر با همان لباس و شمایل در حالی که دو تکه تخته را به هم می کوفت شادمانه می خواند:

عیار آتش بازم      میل به آتش دارم

غول آتش باز یکی از مشعلک ها را می افروخت و به دهان می برد و خاموش می کرد و یا بر روی زبانش می غلتاند. گاه مقداری نفت در دهان می ریخت و در حالی که آن را با فشار بر روی شعله مشعلک فوت می کرد، شعله های انبوهی پدید می آورد. بیننده گمان می برد مشعل ها از دهان غول بیرون می جهد!

در شهر رشت غول آتش باز در خانه ها نمی آمد و بیشتر در جلوی مغازه ها هنرنمایی می کرد و پول سیاهی از کاسبان می گرفت. هنرنمایی آتش باز در رشت، ویژه بازاریان بود.

## نوروزی خوانی

دو، سه یا چهار تن دیگری که همراه سرخوان می‌شدند، ضمن برخورداری از صدای خوب گاه در شناخت افراد روستا و بیان ویژگی‌های خانوادگی روستاییان و آرزوهای آنان، سرخوان را یاری می‌کردند و چون تکرار کننده بندهای اشعار نوروزی بودند، آنها را با گیرکون و در تالش جیگیر کر یا واگیر کر می‌گفتند. طنزپردازی و متلک گفتن به افرادی که در دادن هدیه

و پرداختن پول برای هدیه به ویژه تخم مرغ خساست می‌کردند، تنها از سرخوان برمی‌آمد! گاه گروه مورد شتم قرار می‌گرفت و در این مواقع نیز سرخوان پاسخ آنان را می‌داد. سرخوان در بین افراد گروه قدیمی تر و دارای سواد مکتبی است و افراد دیگر تابع او بودند. گاه سرخوان از صاحب خانه ی کریم بخشنده تعریف و تمجید می‌کرد و با توسل به این شیوه افراد را به کرامت و دست و دلبازی بیشتری وادار می‌کرد.

از اینجا می‌رویم در هر ولایت  
کنیم تعریف آقا بی نهایت  
که آقا داد به ما انعام و خلعت  
شما را سال نو باشد مبارک

نوروزی خوانی نوعی خبررسانی و آگاه سازی مردم از فرا رسیدن بهار و نوروز باستانی و عید ملی ایران است که از دیرباز در گیلان شناخته شده است. زمان آمدن نوروزی خوانان از اول اسفند ماه هر سال تا چهارشنبه سوری و گاه تا شب آغاز سال نو بود. در فومن نوروزی خوانان از شب پیش از چهارشنبه سوری کار خود را شروع می‌کردند. در پاره‌ای از جاها مانند کسمای صومعه سرا، نوروزی خوان ها در شب تحویل سال هم می‌آمدند. هدیه‌های این شب اندکی بهتر و چرب تر از دیگر شب ها بود. نوروزی خوانان افراد شناخته شده و انگشت شمار باسواد روستایی بودند و به شکلی همه کاره ی روستا به حساب می‌آمدند. نوروزی خوانی بخشی از کارشان را تشکیل می‌داد، زیرا در زمان های مختلف سال، مرثیه می‌خواندند و تعزیه و شبیه خوانی اجرا می‌کردند. گروه نوروزی خان بین ۲ تا ۵ نفر عضو داشت غالباً با خود فانوس و چماق حمل می‌کردند تا با سگان ولگرد و خانگی مقابله کنند. در هر گروه یک نفر مسن و باتجربه که اشعار اصلی نوروزی را از بر داشت سرخوان محسوب می‌شد و گاه به وی محتشم هم می‌گفتند. نامی آشنا که تعزیه و مرثیه خوانی و نوروزی خوانی با صدای او آغاز می‌شد و بداهه گو و بداهه خوان هم بود و با توجه به شناختی که از مردم روستا داشت و یا با پرس و جو به دست می‌آورد و به ذهن می‌سپرد، در وصف افراد خانواده‌ها اشعار ساده و فلبداهه می‌سرود، و همین بداهه گویی ها بر میزان هدایا می‌افزود و درآمد بیشتری نصیب نوروزی خوانان می‌کرد.

صاحب خانه ی باوفا  
الهی بروی کربلا  
با پسر (دختر) کوچکت  
بگیری قفل طلا را  
نوروزی نو سال آینده

## رابچره

رابچره از آیین های نمایشی پیش از نوروز در شرق گیلان است. افراد گروه در اصل چهار نفر بوده‌اند؛ نقش آفرینان عبارت بودند از:



**آهو:** نوجوان یا مرد جوانی که سر و دوش خود را در پوست دباغی شده گوسفند یا بره ی سیاه می‌پوشاند و در برابر چشمانش دو سوراخ وجود داشت، مجسمه دست سازی را به همراه می‌برد و آن را به گونه ای بر بالای سر می‌گرفت که گویی سر خود اوست و به این ترتیب خود را آهو معرفی می‌کرد.

**چراننده آهو:** چراننده آهو(رابچره)، لباس مردان کوهستان شرق گیلان و شبانان منطقه را بر تن می‌کرد و چوبی راست و بلند در دست می‌گرفت و با آن آهو را می‌راند. شعر این مراسم را هم او می‌خواند و با چوب ضربه های آهسته بر آهو می‌زد و او را همراه با کلام خود به حرکت وامی‌داشت.

**کول بارکش:** کیسه ای بر دوش داشت تا هدایای مردم را گردآوری کند.

**واگیرکون:** در گذشته های دور، نفر چهارمی نیز همراه گروه رابچره بود که دو پاره چوب یا سنگ در دست داشت و آن ها را با آهنگ شعر این نمایش آیینی به هم می‌کوفت و به کمک کول بارکش، پس از آن که سرخوان یک مصرع از شعر را می‌خواند کلمه رابچره را دوبار تکرار می‌کرد.

چگونگی اجرای نمایش: گروه رابچره در روستا و در خانه‌ها نمایش اجرا می‌کردند. کسی که نقش آهو را برعهده داشت، در موقع اجرای نقش نرخ به سرزانو می‌نشست و هماهنگ باشعر کمر خم می‌کرد و مجسمه آهوی بر سر چوب نصب شده را که در دست داشت و جلوی صورتش گرفته بود، برزمین می‌رسانید و حالتی بروز می‌داد که گویی آهویی در حال چریدن است و هر دستوری که سرخوان با شعر مراسم و ضربه های چوب به او می‌داد، اجرا می‌کرد.

## عروس گوله

یکی از مراسم های نمایشی پیش نوروزی بود. عروس گوله نمایشگونه ای اصطلاحاً کمدمی-موزیکال بود که بازیگران نقش های اصلی آن عبارت بودند از:

**سرخون:** کسی که شعر عروس گوله را می‌خواند و رهبری نمایش و در اصل رهبری و کارگردانی نمایش را بر عهده داشت.

**کاس خانم و ناز خانم:** عروس های نمایش بوده که نامزد های غول و پیر بابو هستند و معمولاً ایفاگران این نقش نوجوانان پسری هستند که لباس زنانه پوشیده و با رقص و ادا مردم را به وجد می‌آوردند.

**پیر بابو:** پیر مردی با ریش سفید و بلند، لباس مندرس و چوب دستی و کلاه قیفی است که رقیب غول است.

**غول:** مردی تنومند با چهره سیاه و کلاه شیطانی است که در پی کاس خانم و ناز خاتون است و نیز گاهی با حرکات مضحک به سمت تماشاگران یورش برده و موجب خنده و هیجان حضار می‌شود.

**کترا زن:** دو نفر که کفگیر های چوبی در دست دارند و آن ها را زمانی که خواننده اشعار را می‌خواند، به هم می‌کوبند و بند هایی از اشعار را تکرار می‌کنند.

**دیاره زن:** نوازنده دایره زنگی که رقصنده ها و خواننده ها را همراهی می‌کند.

**کولبارکش:** یک یا دو نفر با کیسه ای پر پشت که پس از خاتمه بازی، تخم مرغ، یرنج و احياناً پول های دریافتی را جمع‌آوری می‌کردند.

موضوع نمایش، دعوی غول و پیر بابو بر سر نازخانم بود که سرانجام قرار می‌شد کشتی بگیرند. در این نمایش نازخانم عروس پیر بابو است که غول می‌خواهد با توسل به زور، او را از شوی پیرش برآید. در بعضی از اجرا ها پیر بابو پیروز این نبرد می‌شود و در بعضی دیگر غول که سبب ناراحتی و متاثر شدن ناز خانم و کاس خانم می‌شود؛ به طوری که بالای سر پیر بابو می‌نشینند و با گوشه های دامن خود او را باد می‌زند.

چند اشعاری از این نمایش:

سلام می گویم آقا  
رخصت بده تو به ما  
من اومدم به حیاط شما  
سگ شما آدم گیر است  
با چوبدستی او را می زنم  
آه و ناش مرا می گیرد  
عروس گل اینه  
ببین چه قدر نازنینه  
عروس گل آوردیم  
جان و دلمان را آوردیم  
صاحب خانه برای تو نیاوردیم  
برای پسرت آوردیم

سلام بوگوفتم آقا  
رخصت فده تو ما را  
من باموم شیمی صارا  
تی سگی آدم گیرا  
پایه زنمه میرا  
آناله مرا گیرا  
عروس گوله ی، همینه  
بیدینه چی نازنینه  
عروس گوله بیآردیم  
جانہ دله بیآردیم  
خانخا تره نیآردیم  
تی پسره بیآردیم





## چهارشنبه سوری:

نام گیلانی این رسم، کولی کولی چهارشنبه است. همه این شب را جشن می‌گیرند و پس از آتش بازی رسم است که برای شام، سر سفره باید سبزی پلو ماهی و سبزی کوکو باشد.

در ماسال برای کولی کولی چهارشنبه، رسم به خصوصی دارند. شب چهارشنبه سوری رو به قبله در هفت جا تپه هایی از کاه می‌گذارند و هنگام غروب آتش می‌زنند و سپس کولی کولی چهارشنبه گوین، از روی آتش می‌پرند. همه مردم آن شب شادی کرده و عده ای با تفنگ شلیک می‌کنند. مرسوم است که در این شب در سفره باید ۷ خورشت و خوردنی باشد.

پس از پریدن از روی آتش ظروف شکستنی و معیوب را دور می‌ریزند و دختران دم بخت را برای دقایقی از خانه بیرون می‌کنند تا در آن سال به خانه بخت بروند و ظرف آبی را که در کنار آتش گذاشته‌اند پشت سرشان به زمین می‌ریزند.

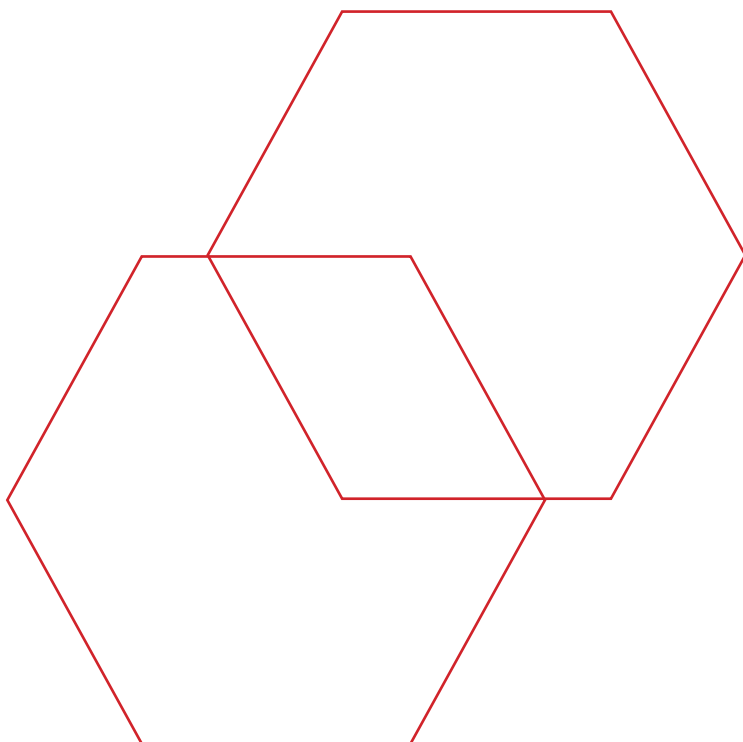
در علی‌آباد سرای املش پس از پریدن از روی آتش، جوانان کوزه‌ای برمی‌دارند و آن را از آب هفت چشمه پر می‌کنند و این آب را که آب هفت کوثر می‌نامند، به طرف آسمان می‌پاشند تا سال پر بارانی داشته باشند، سر روی خود را با آن می‌شویند تا سلامتی بیاورد و به مزرعه می‌پاشند تا زمین پر محصول شود.

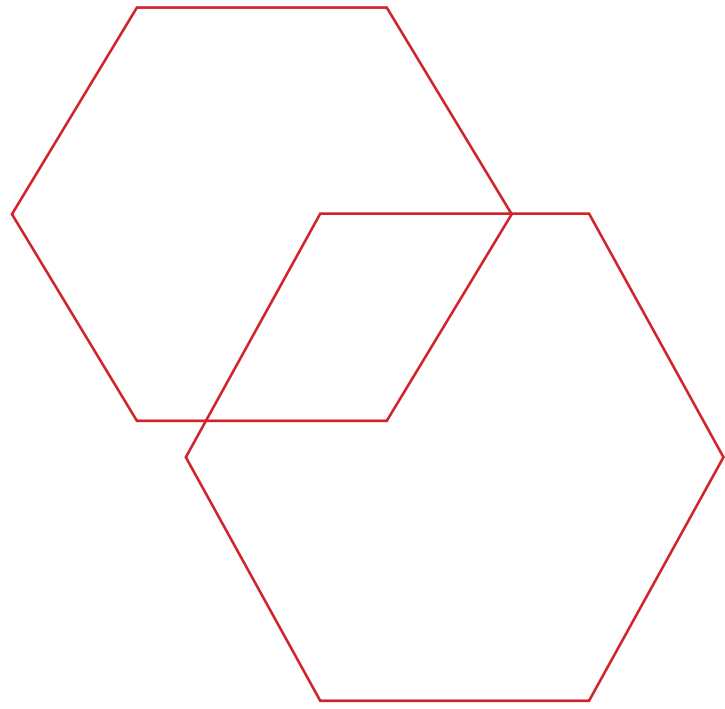
در دیلمان صبح چهارشنبه به حمام می‌رفتند و با چهل تاس آب روی سر خود می‌ریختند؛ همچنین در تالش، رودبار و شرق گیلان و به ویژه مناطق کوهستانی رسم است که شب چهارشنبه از آب روان می‌پرند و این کار را موجب دفع بلا و

بیماری می‌دانند. در رستم آباد و رودبار نیز پس از پریدن از روی آب، فرد بزرگ خانواده دو سنگ از داخل آب برمی‌دارد و یکی را در انبار برنج و دیگری را در انبار آرد می‌گذارد تا برکت بیاورد.

در تالش عنصری اسطوره ای به نام چهارشنبه خاتون وجود دارد با صفات گلابتون گیسوی بلند، اندام زیبا که با القابی چون پری، گیسو بلند، خوش اندام و... توصیف می‌شود. چهارشنبه خاتون با آب و برکت پیوند خاصی دارد.

این پری گیسو بلند در شب چهارشنبه سوری به هر خانه‌ای سر می‌زند و از غذاهای خاص چهارشنبه‌سوری که برایش گذاشته‌اند، مقداری می‌خورد و برای خانواده هایی که خانه های خود را برای بهار و سال نو پاکیزه کرده‌اند دعا می‌کند و به آن ها برکت می‌دهد. برای دیدن چهارشنبه خاتون باید بعد از نیمه شب چهارشنبه آخر سال، سر کهنه‌ترین چاه آب منطقه بروند و لباس را به تمامی از تن به در کنند، سر در چاه فرو برند و چهارشنبه خاتون را صدا زنند. آنگاه آب چاه می‌جوشد و خاتون بلند بالای گلابتون گیسوی چهارشنبه از آن بیرون می‌آید و سیلی بر گوش کسی که او را صدا کرده می‌زند. اگر او نترسید، نگریخت و یا بیهوش نشد، هر چه بخواهد برایش فراهم می‌سازد.





شال اندازی هم از رسم های پرشور و زیبای چهارشنبه سوری در گیلان بود که امروزه تا آبادی های دوردست کوهستانی و جنگلی عقب نشینی کرده و در همه جا معمول نیست. در این رسم، شب که فرا می رسد پسران جوان شال یا دستمالی برمی دارند و برای شال اندازی به خانه همسایگان و اهل محله می روند. معمولا سر راه گلی می چینند و به گوشه شال یا دستمال می بندند و آن را آهسته از در اتاق به داخل می اندازند و خود گوشه ای پنهان می شدند. صاحب خانه نیز مقداری آجیل چهارشنبه سوری و شیرینی و گاهی پول به جای گل به شال و یا دستمال می بندد و آن را در آستانه در قرار می دهد، شال انداز نیز آن را برمی دارد و به سرعت از آنجا دور می شود. شال اندازی در تالش سابقا گونه ای از خواستگاری هم بود.

بره گردانی: سابقا در مناطق کوهپایه ای گیلان رسم بود که گالش بره سفید و سرحالی را انتخاب نموده و پشتش را با حنا رنگ می کردند و دستمال رنگی بر گردنش می بستند و به خانه روستائیان می رفتند و بره را در اتاق نشیمن رها می کردند؛ بره در اتاق گشتی می زد و صاحب خانه مقداری آجیل و شیرینی و یکی دو سکه در دستمال گردنش می ریخت، بچه ها هم دستی بر سر و گوشش می کشیدند و نوازشش می کردند. گالش نیز سال نو را مبارک باد می گفت و به خانه ای دیگر می رفت.

در رشت دختر دم بخت عهده دار خرید اسفند است. او از خانه بیرون می آید و از اولین دکان رو به قبله می پرسد: «اسپند داری؟» و بدون آنکه منتظر جواب بماند به راه می افتد و تا هفت دکان همین سوال را می کند و سپس به سراغ اولی می رود و اسپند را از او می خرد. فروشنده هم این شعر را برایش می خواند:

باطیله کون  
تی مرد مار به هوش

عاطیله کون  
چاووش بیه

بیه

« یعنی اسپند دود کن، طلسم ها رو باطل کن، چاووش بیاد، مادر شوهرت به هوش بیاد.»





## هفت سین:

ایرانیان در هنگام نوروز خوان یا سفره ای میگسترانند و بر آن هفت سین میگذرانند که هریک از آن ها نماد و نشانی است از چیزهایی که برای ایرانیان گرامیست و یا آرزوی آن ها بوده است. روایت میشود که این سفره ابتدا هفت سین (شراب-شکر-شیرینی-شیر و...) بوده که شراب آن با ورود مسلمانان حذف شده و در گذر زمان به هفت سین تبدیل شده است. در سفره هفت سین سه قاب از سبزه به نماد و نشان اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک چیده میشود که نشانی از سبزی و فراوانی در سال نو است و رنگ سبز نیز نشان اُمرداد (جاودانگی) است.

سیب سرخ نشان از باروری و زایش است، سکه نمادی از شهریور، ماهی سرخ نمادی از آناهیتا الهه آب، سیر و سرکه سمبلی از گند زدایی و پاکیزگی و سنجد نمادی از گسترش مهر و دلدادگی میان مردم، سمنو نیز نشانی از زایش و باروری، نان سبزی و شیرینی به نشان برکت و سکه برای فزونی مال.



یکی از کهن ترین جشن های ایرانیان نوروز است که طبیعتا در گیلان هم از اهمیت بسیاری برخوردار است.

نوروز که با نخستین روز بهار آغاز میگردد، سرآغاز زندگی تاره ای برای ایرانیان است چرا که ایرانیان تن پوش نو میپوشند، گرد و غبار زندگی خود را میگیرند و در شادی سرور به پیشواز سال نو میروند. این جشن به گونه ای با خون ایرانیان عجین شده که هیچ یک از یورش ها و تهدید هایی که در ازای تاریخ، ایرانیان با آن رو به رو شده اند اسباب فراموشی و نابودی این جشن نشده است در حالی که جشنی همانند مهرگان با آن همه اهمیت با گذر زمان از یاد های ایرانیان رفته است.

اما سوال این است که نوروز چرا و چگونه به وجود آمده است؟ نخست باید به نگاه ویژه ای که ایرانیان به طبیعت داشتند و اهمیتی که به آن میدادند توجه کرد. نوروز نخستین روز بهار است و هنگامه ای است که طبیعت از خواب زمستانی برمیخیزد، سبز میشود و زندگی دوباره ای را آغاز میکند. ایرانیان این آغاز زندگی طبیعت را ارج مینهند؛ چرا که زندگی آنها نیز به این نوزایی طبیعت بسته بود تا کشتزارها سبز شوند و دامن طبیعت برای چرای گوسفندان آماده شود و رودها و قنات ها پر از آب شوند. از این رو زمانی که طبیعت سرما را پشت سر میگذاشت و زندگی دوباره ای را شروع میکرد، این پرسش در اندیشه ایرانیان چهره میبست که چرا او بدی ها و کینه ها را کنار نگذارد. در واقع زدودن گرد و غبار و دید و بازدید های نوروزی ناشی از همین دیدگاه ایرانیان و شستن کینه های سیاه زمستانی است.

دلیل دیگر به باور های اسطوره ای ایرانیان باز میگردد. در واقع نوروز روزی بود که جمشید، کار سر و سامان دادن به جامعه اسطوره ای ایران را به پایان رسانیده و روزگار نویی را برای ایرانیان پیشکش آورده است. در شاهنامه آمده که جمشید نخست گنجی از ابزارها را پدید می آورد، پس خانه سازی و خشت زنی را به مردم یاد میدهد، درمان دردها را اشکار میکند و ...

جهان انجمن شد بر تخت او	فرو مانده از فره بخت او
بجمشید بر گوهر افشاندند	مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرزم فروردین	بر اسوده از رنج تن دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند	می و جام ورامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

بر اساس اسطوره های ایرانی این روز، روزی بود که ایرانیان تمدن را آغاز کردند و از زندگی ابتدایی دور شدند. ابزارها را پدید آوردند، خانه ساختند، کاخ های بزرگ بنا کردند، درمان دردها را شناختند و ... دستاویز کیهانی سومین دلیل برگذاری نوروز است که رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته است. بر اساس باورهای ایرانیان کهن، آفرینش جهان توسط اهورامزدا در این روز آغاز گردیده که شش روز به طول انجامیده است. در واقع اهورامزدا نخست آسمان را، سپس آب، گیاهان، جانوران و در پایان انسان را آفریده است. از این رو ایرانیان نوروز را جشن می گرفتند و به آن ارج مینهادند.



در خصوص ساعت تحویل سال نو باورها و آداب و رسوم خاصی در گوشه و کنار گیلان وجود دارد .  
-در شهرهایی که امام زاده و زیارتگاه معتبری وجود دارد بسیاری از مردم ساعت تحویل سال نو را در انجا جمع می شوند .

-هنگام تحویل سال باید چراغ های خانه و شمع و چراغ سفر هفت سین نیز روشن باشد ، در برخی از مناطق گیلان از جمله در روستاهای اطراف رودبار لحظه معتقدند در لحظه تحویل سال آنها از حرکت می ایستند و هر کس لحظه سکون آب را دریابد ، هر مرادی که داشته باشد بر آن کامران خواهد شد.  
-لحظه بسته شدن و از حرکت افتادن آنها را در نقاط مختلف به تفاوت در شب عاشورا و یا شب های قدر نیز می دانند .

-آمدن " سبک پا" و یا " خوشقدم " در هنگام تحویل سال نو و یا صبح نوروز نیز در اغلب نقاط گیلان مرسوم است ، خوشقدم را از قبل انتخاب می کنند و او صبح نوروز با قران ، آینه ، آب و شاخه های گل و شکوفه و شمشاد اولین کسی است که پس از تحویل سال به خانه می آید شاخه های شمشاد را به چفت در خانه و اتاق می آویزد ، گل و شکوفه را در اطاقچه اتاق می گذارد ، مقداری آب در پاشنه در می ریزد و قران ، آب و آینه را روی سفره هفت سین قرار می دهد، مبارکباد می گوید، سکه ای برای شکون به صاحبخانه می دهد و عیدی و شیرینی می گیرد.  
خوشقدم به علت آن که تمام خانه را قدم می زند و خیر و برکت گامهایش را به همه جای خانه می رساند " خانه پازن " نیز نامیده می شود.

-در روستا " گنجی محله " شهرستان تالش اگر شب ، هنگام تحویل سال شود ، زن خانه مقداری از غذای شب را با غذایی که هر یک از افراد خانواده از سهم خود باقی گذاشته اند در دیگ می گذارد ، سپس همگی از اتاقی که سفره شام در آن گسترده شده بیرون می روند، در خمره ها و انبار و هرچه در آن ذخیره ای دارند نیز باز می گذارند تا نوروز که می آید به سفره ، انبار و همه آنچه که در خانه هست سر بزند و برکت ارزانی دارد.

سفره عیدی نیز در برخی نقاط استان گیلان ویژگی های دارد ، سبزه ، آب ، آینه ، شیرینی ، قران ، شمع و چراغ از مشترکات سفره های عیدی در همه نقاط گیلان است .  
اما در منطقه تالش و برخی نقاط دیگر گیلان هفت سین را نمی چینند و در منطقه ماسال « قیچی » نیز از لوازم خوان نوروزی است چون در ماسال و در میان تالش ها رسم است که هرکس به عید دیدنی می رود باید قدری از سر سبزه سفره عید را بچیند تا برکت بیافزاید .  
در برخی نقاط گیلان هنگام چیدن سبزه با قیچی نیت می کنند و معتقدند که حاجت آنها برآورده می شود .  
در بعضی نقاط گیلان نیز شیرینی های خاص محلی نیز از اجزاء سفره عید است ، حلوائ عیدی یا حلوائ دنگی ماسال از این جمله است .  
درست کردن این حلوا آداب و تشریفات دارد ، باید آن را شب هنگام درست کنند و آن شب را با آواز خوانی به شادی تا صبح ، همراه استاد حلوائی بیدار بمانند.  
حلوائ عیدی را فقط در نوروز درست می کنند و از واجبات سنتی سفره نوروزی مردم ماسال است .  
در تمام گیلان رسم است که خانواده عزادار سفره عیدی نمی چیند ، شیرینی نمی گذارد و مهمانان نش را با خرما و چای پذیرایی می کند.  
مردم تالش برای همسایه های سوگوار خود حنا و لوازم سفره عیدی می برند ، سفره می چینند و در آن شمع و چراغ روشن می کنند و صاحبخانه را از سوک در می آورند.

### شب چره نوعروسان

یکی دو روز پیش از شب یلدا، برای عروسی که هنوز به خانه شوهر نرفته بود، شب چره می‌فرستادند. این رسم در سراسر گیلان معمول بود و به آن وسایل شب چره می‌گفتند. این وسایل علاوه بر خوردنی‌های شب چره و شب چله به خصوص هندوانه شامل قواره پارچه، وسیله ای زرین و لباس زنانه بوده است. خانواده‌ی داماد وسایل را در مجمعه‌های می‌نهادند و رویش را با دستمال‌های گلدار بزرگ می‌پوشانیدند. چند تن از دوستان جوان داماد، مجمعه‌ها را بر سر می‌گرفتند و همرا داماد، روانه منزل عروس می‌شدند. همه شام را میهمان خانواده عروس بودند و حمل‌کنندگان مجمعه، انعامی در خور دریافت می‌کردند.

### شم شمی

در برخی مناطق غرب گیلان، مراسمی به نام «شم شمی» را انجام می‌دهند که یک نوع تفال است و هر کس که نیتی دارد، دم درب خانه یا سرگذر می‌ایستد و به حرف‌های رهگذران گوش می‌دهد و چنانچه حرف‌های خوب شنیده باشد، آن را به برآورده شدن نیت خود تعبیر می‌کند.



جشن یلدا با آیین های گیلانی

مردم طبق سنت به دو چله در زمستان اعتقاد دارند؛ یکی چله بزرگ، که شروع آن اولین شب زمستان است تا چهل روز و دومی چله کوچک است از یازدهم بهمن تا ۲۰ روز بعد از آن. شب یلدا یا چله شب در گیلان آغاز پرشگون شب نشینی‌های پرشور و همدلانه مردم در طول زمستان بود که تا نزدیکی روزهای نوروزی ادامه می‌یافت. در این شب‌ها، هم نشینی‌ها برای یآوری و همدلی، تلاشی برای نزدیک کردن دلها و یکی شدن، برای غلبه بر کوهی از مشکلات بود که با آمدن زمستان سنگین‌تر می‌شد.

خوردن هفت نوع میوه پاییزی و زمستانی، از رسوم قدیمی چله شب است که هنوز مردم به آن باور دارند. برترین این میوه‌ها هندوانه، سیب، به، گلابی محلی (خوج) و ازگیل در آب نکه داشته شده بود. تنقلات این جشن انواع مرکبات و آجیل که در خانه برشته کرده بودند. انواع شیرینی‌های خانگی ویژه شب چره‌های زمستانی، حلوای کنجدی و کاکا که در تابه پخته می‌شد.

در شب چله بزرگ خوردن هندوانه معمول است. وقتی شب چله رسید، هندوانه را می‌برند و هر تکه را به خانه‌ی یکی از همسایگان یا فامیل و آشنایان می‌دهند؛ چون باور دارند در شب چله هندوانه رساندن به اهل محل شگون دارد. فلسفه اینکه چرا در شب چله تا حد امکان هندوانه باید جزء خوردنی‌ها باشد این است که کسی که در شب چله هندوانه بخورد، در تابستان گرما را کمتر حس خواهد کرد و در صحرا و مزارع گرم‌زده نخواهد شد و کار خود را به راحتی انجام خواهد داد.

در برخی از نقاط گیلان بر این باورند که همه آبهای جهان در لحظه‌ای نامعین در این شب می‌بندند و حالت منجمد پیدا می‌کنند و هر کس آن لحظه را دریابد، هر مرادی داشته باشد و از خدا بخواهد حاصل می‌شود. برخی نیز شب چله را جزو شبهای عزیز دانسته و معتقدند در این شب، درختان سرشان را پایین می‌آورند و در این لحظه اگر شخصی از خواب بیدار شود، هر نیتی بکند خواسته اش برآورده می‌شود.



عکس‌های یلدا مربوط به جشنی است که انجمن علمی گردشگری دانشگاه گیلان با همکاری پژوهشکده گیلانشناسی در شب یلدا در این پژوهشکده برگزار کرد.

## فال های شب یلدا

استاد وقتی دو بیتی را می خواند، همزمان نشانه ای را از آب بیرون می کشید و تعبیر آن دوبیتی، جواب فال صاحب آن نشانه بود.

استاد فالگیر، کسی بود که ترانه های محلی را در خاطر داشت و می توانست آن را در مقام موسیقی محلی بخواند. از دیگر رسوم این آیین، این بود که کسانی که آب می آوردند یا از «چشمه آبادی» یا از «خانه ها به صورت مخفیانه» ضمن حرکت، نباید هیچ کلامی بر زبان جاری می داشتند. به همین دلیل این آب را «لال آب» می نامیدند. در برخی نقاط نیز، حمل کنندگان آب زمانی که پشت در اتاق می رسیدند پا بر زمین می کوفتند و استاد با خواندن ترانه هایی به آن ها اجازه ورود می داد:

آب گوید که من فرزند لال گویم  
یک سر به دریا درم، صد سر به گویم  
سفید سنگ سر پیر پیر گویم  
تر مو سخن یک ساله را یک دقیقه گویم  
«آب می گوید که من فرزند کوه لالم، یک سر به دریا دارم و  
صد سر به کوهم، بر روی سنگ سفید کوهستان موج موج  
می زنم، سخن ۱ ساله را من به تو در ۱ دقیقه می گویم.»

**لال شوش زنی:** شوش به معنای ترکه است. در این شب معمولاً بزرگتر خانواده، بی آنکه سخن گوید، ترکه ای را بر بدن اهل خانه و دام ها، در و دیوار و انبار و آذوقه و چیزهای دیگر میزد تا موجب برکت شود. برخی این رسم تیرماه سیزه را به حماسه آرش کمانگیر مربوط می دانند و شاید آن توان فوق بشری که آرش در تیر رها کرد و به برکت آن گشادگی مرز های ایران حاصل شد، در باور مردم گیلان در برکت دهی ترکه های لال شوش باقی مانده است. از طرفی ابوریحان نیز در کتاب آثار الباقیه جشن تیرگان را به پرتاب تیر آرش کمانگیر و تعیین مرز ایران و توران نسبت می دهد.



فال هندواونه: وقتی هندواونه را برای خوردن حاضر می کردند با آن تفأل می زدند. وسط هندواونه را به خطی که برگرداگردش می کشیدند مشخص می کردند. بعد چشم دختر یا پسر دم بختی را می بستند و هندواونه را چند دور در مجمعه می گرداندند، کارد را به دست چشم بسته می دادند تا هندواونه را دو نیم کند. اگر درست از جایی که خط کشیده شده بود، هندواونه را می برید نشان عادی بودن هوای زمستان و به خوبی گذشتن فصل سرد سال بود.

فال پوست هندواونه: کله هندواونه را از جایی که به بوته وصل می شود بریده و آن را ۴ قسمت می کردند و در یک دست می گرفتند. سپس نیت کرده و آنگاه پوست ها را از جلو به پشت سر می انداختند. اگر پوست ها بود، اگر سه قطعه سبز یک قطعه سفید بود خوب بود و چنانچه سه قطعه سفید یک قطعه سبز بود، باطل می شد! ولی ۴ قطعه سبز خیلی خوب بود.

### فال پوست هندواونه

#### تیرماه سیزه

تیرماه سیزه، یکی از آیینهای سنتی شرق گیلان و مازندران است که مبتنی بر گاه شماری محلی این مناطق می باشد و ریشه در جشن باستانی تیرگان دارد. در ایران باستان، هر کدام از روزها و ماه ها نام ایزدی را بر خود داشت و چون نام ماه و روز برابر می افتاد؛ آن روز را جشن می گرفتند. مانند جشن تیرگان که در تیر، روز «روز سیزدهم» تیرماه و جشن مهرگان که در مهر، روز «روز شانزدهم» مهرماه انجام می گرفت. در گیلان و مازندران نیز صورتی از این جشن ها به نام جشن تیرماه سیزه در سیزدهم تیرماه محلی «دیلمی یا تبری» باقی مانده است.

دو رسم عمده این جشن شامل فال گیری و لال شوش زنی است.

### فال گیری: در شب تیرماه سیزه معمولاً اهالی ده برای گرفتن

فال در یکی از خانه ها جمع می شدند که تفالی بود بر دو بیتی های محلی.

استاد فال گیر ظرفی پر از آب را پیش رویش قرار می داد و هر یک از افراد به نیت فال نشانه ای از خود را در ظرف می انداختند، مانند سنجاق، حلقه، دکمه و....



## آیین ها و مراسم های مربوط به فعالیت های تولیدی

حوزه ی مذکور، مراسم ها و آیین های مربوط به کشاورزی و دامداری است. آیین باران خواهی در گیلان: در گیلان این مراسم به ۳ گونه انجام می شود: (۱) شیئی متبرک و مورد احترام مانند جانماز و یا پنجه علم و... را در آب قرار می دادند که آن را به دو گونه می توان تعبیر کرد: الف) آن شیء مقدس را نزد موکل آب ها واسطه قرار می دادند. ب) با قرار دادن شیئی مقدس در آب، مانند سنگ دستاس که معتقد بودند توسط حضرت فاطمه (س) متبرک شده است، تنگی معیشتی خود را بیان می کردند.

(۲) درست کردن عروس باران با قاشق چوبی، که به نام های ترک لیلی، کتر اگیشه و... نامیده می شد و کودکان عروس باران را در دست گرفته و در کوچه ها می گرداندند و برایش شعر می خواندند که مضمون آن طلب باران بود. «یا کربلا، یا قورآن، ایمشب بباره باران ...»

(۳) علاوه بر این ها روضه خوانی و رفتن به مساجد و نیایش برای باران نیز مرسوم بود.

**آیین آفتاب خواهی در گیلان:** باران همانطور که رحمت است، اگر بیش از اندازه ببارد سبب زحمت می شود؛ بنابراین در این مواقع آیینی تحت عنوان آفتاب خواهی انجام می گرفت. در این مراسم نیز، کودکان که عاری از گناه بودند دست به کار می شدند. در ماسال وقتی باران زیاد می بارید، کودکان جمع می شدند و هر کدام آتش و اسپند به دست می گرفتند و شعر هایی با مضمون طلب آفتاب می خواندند.

وارنگل

چارنگله

آفتاب کن

پشت رمه هایمان را خشک کن

دل چوپان ها را شاد کن

و...

در اشکور رودسر، این رسم را به زبان خودشان «خور دَ توه» می نامیدند و بدین ترتیب انجام می شد که کودکان از میان خود یک نفر را پیر بابو انتخاب می کردند و چند نفر دیگر جاروی کهنه، انبر، نمد پاره و حصیر پاره به خود می آویختند و هر کدام چوب دستی در دست می گرفتند و دسته جمعی این شعر را می خواندند:

خدایا خور دتووه

زمین و سنگ بتووه

امی حصیر بپوسته

امی گالش بپوسته

امی حاصل بپوسته

«خدایا خورشید بتابد، به زمین و سنگ بتابد، حصیر ما پوسید، گالش ما پوسید، محصول ما پوسید»

# با دکتر حمیده بیگی مصاحبه



دکتر حمیده بیگی  
هیئت علمی گردشگری دانشگاه گیلان

**گردشگری آیینی**، نوعی خاص از گردشگری فرهنگی است که آدمی را با اعتقادات و باورهای برخاسته از یک جامعه خاص آشنا می کند.

از جمله دلایل اهمیت این نوع خاص از گردشگری:

۱- تقویت احساس با ارزش بودن آن فرهنگ

۲- ایجاد اشتغال و افزایش درآمد

۳- جذب گردشگران برای دیدن یک مراسم خاص در فضولی که گردشگر کم است می باشد و ...

حال با توجه به اهمیت این نوع گردشگری در گردشگری فرهنگی و با توجه به این که اساسا کشور ما، به عنوان مقصدی برای گردشگری فرهنگی توسط گردشگران خارجی شناخته میشود:

۱- آیا گیلان میتواند سهمی از بازار گردشگران خارجی را در حوزه گردشگری آیینی و فرهنگی به خود اختصاص دهد؟

با نام خدا و یاد خدا. ابتدا باید دید که ایران توانسته است ظرفیت های گردشگری آیینی و فرهنگی خود را به جهان معرفی کند. در اینباره عرض می شود که در چند سال اخیر با کوشش های چند استان مانند یزد در زمینه گردشگری مذهبی و جذب گردشگر خارجی برای بازه زمانی تاسوعا و عاشورا اقدامات مناسبی گردیده که سبب شده گردشگران همچنان رغبت و انگیزه برای حضور مجدد در این تورهای گردشگری نشان دهند ولی بسنده شده به این موضوع کافی نیست. سؤال شما در مورد بهره گیری از آیین ها و فرهنگ ها است که درصدی از آن را سوگواره ها تشکیل می دهد و فرهنگ ایران در این زمینه بسیار غنی و فرصت ساز است. استان گیلان نیز با تنوع فرهنگ ممتاز توانایی و فرصت استفاده از این جاذبه ها را دارد. البته قبل از تبدیل به جاذبه شدن، شناخت، معرفی، دسته بندی، برنامه ریزی و اجرا و نیز بازنگری این فرصت ها ضروری است.

۲- در حوزه گردشگران داخلی، با توجه به این که گیلان همواره مقصدی برای طبیعت گردی به شمار میرود، آیا ظرفیت های لازم برای پیشرو شدن در حوزه گردشگری آیینی و فرهنگی را دارد؟

در حوزه گردشگران داخلی هم تمام مطالب مطرح شده در سؤال قبل صدق می کند لیکن با توجه به مشابهت فرهنگی بیشتر گردشگران داخلی با آیین ها و فرهنگ گیلان، اجرای تورهای گردشگری آیینی و فرهنگی آسان تر و از طرفی دیگر نیازمند دقت عمل بیشتر است زیرا در بخش آیین ها و فرهنگ ها باید به حفظ حرمت فرهنگی مناطق توجه گردد تا باعث آزدگی و نیز سرخوردگی جامعه میزبان و مهمان نگردد.

۳- آیا باید برای تبلیغات در حوزه گردشگری آیینی گیلان، با توجه به بازار هدف «گردشگران داخلی و خارجی» تفاوتی قائل شد؟ این تفاوت ها در تبلیغات برای گردشگران داخلی و خارجی شامل چه بخش هایی میشود؟

در زمینه تبلیغات گردشگری در اختیار داشتن ابزار تبلیغاتی مناسب، خلق پیام تبلیغاتی و زبان مورد استفاده برای انتشار آن و برخورداری از شعار تبلیغاتی ضروری است. در مورد گردشگران داخلی ابزار تبلیغاتی مورد استفاده مطلوب استفاده از شبکه های پیام رسان و تولید محتوا در ارتباط با آن یا استفاده از شبکه بر بستر اینترنت مطلوب است و برای گردشگران خارجی بهره گیری از وب سایت های قدرتمند چند زبانه و به روز مفید است. بر اساس آمارهای وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری حدود ۸۰ درصد از گردشگران بین المللی ایران از کشور عراق هستند ولی تبلیغات گردشگری به زبان عربی بسیار ناچیز است در حالی که کشور ترکیه و مالزی از این عامل به حد نهایت استفاده نموده اند. شعار های تبلیغاتی گزینش شده برای گردشگری داخلی و خارجی تفاوت دارد و محتوای تبلیغاتی تولید شده با توجه به فاصله فرهنگی و مشابهت فرهنگی متفاوت است.

۴- زیرساخت ها، استراتژی ها و راهکار های لازم برای توسعه این نوع گردشگری در گیلان چیست؟

شناخت این آیین ها و فرهنگ ها که بسیاری از آن حتی برای گیلکی زبانان نیز مهجور است، مستندسازی، طبقه بندی، ایجاد تقویم گردشگری این آیین ها، نیازسنجی بازار، ایجاد و ارائه بسته های سفر آیینی به بازار گردشگری گام های به ثمر نشستن این گردشگری است. زیرساخت های مورد استفاده این گردشگری همان زیرساخت های توسعه انواع دیگر گردشگری است لیکن راهنمایان گردشگری باید بایدها و نبایدهای فرهنگی را به گردشگران آموزش دهند و مسئولانه وارد جامعه محلی شوند و ساکنان محلی نیز باید آموزش های تخصصی گردشگری در این حوزه را دریافت کنند تا در صورت بروز ناراحتی و مشکل از آن استفاده نمایند.

۵- برای فعالیت در این زمینه، بیشتر نیازمند به همکاری و حمایت کدام بخش گردشگری هستیم؟ تاثیر کدام یک بیشتر است؟ «خصوصی یا دولتی»

با توجه به شرایط استان گیلان، نیاز است که بخش های متولی دولتی زیرساخت های توسعه گردشگری در بخش های عمرانی و مالی را فراهم آورند و پس از آن با تفویض اختیار به بخش خصوصی و با نظارت بر آنها زمینه توسعه بهتر این گردشگری را فراهم آورند. استفاده از جامعه محلی در اعطای مجوزهای به بخش خصوصی و انتفاع ساکنان محلی از این بخش در توسعه پایدار گردشگری حائز اهمیت است.



# دیپارتمان ایده پردازی

برای حفظ فرهنگ ها و آداب رسوم فراموش شده ی بسیاری از استان ها و به خصوص استان گیلان شما چه ایده، نظر، راهکار و سیستمی را پیشنهاد میکنید؟

## سهیلا نورانیان

۱- مغازه آیین فروشی «مشابه مغازه های خوشحالی فروشی تازه تاسیس»

در بخش هایی از استان و شهر مورد نظر، فروشگاه هایی با هدف ترویج، تبلیغ و ارائه محصولات و فرهنگ های آیینی تاسیس شود که علاقه بر فروش محصولات مورد نیاز برای برگزاری یک آیین و رویداد را ارائه میدهد. همچنین سی دی های قصه گویی آیینی، سوغاتی های فرهنگی و ... تا بتوان از این طریق در حفظ اصالت آیین ها کوشید. کالایی شدن یک محصول به صورت نماد قابل قبول تر از فراموشی آن است.

۲- آیین نویسی: میتوان بر روی تابلو ها گرافیکی طراحی شده یا دیوارهای مورد نظر شهرداری که هر ساله با رنگ و کشیدن نقاشی آراسته میشوند، آیین نویسی یا آیین سرایی کنیم. به این صورت که به شکل یک تصویر برپایی یک آیین را بازگو کرده باشیم.

۳- همچنین با توجه به علاقه مردم به جشنواره ها و رویداد ها، نمایش های دستی و تئاتر های خیابانی میتوانیم به برگزاری فستیوال های دوره ای «ماهانه، سالانه» فرهنگی آیینی بپردازیم.

## زهرا حیدرنسب

\_ برگزاری تئاتر های خیابانی با موضوعات آیینی

\_ تولید کتاب های صوتی با این موضوعات

\_ برگزاری مناسبتی این آیین ها توسط شهرداری و یا

استانداری در زمان پیک تعطیلات مثل جشن تیرماه سیزه،

چهارشنبه سوری با آیین های گیلانی و ...

\_ ساخت فیلم ها و سریال هایی که در آن برخی از این آیین

ها به صورت سنتی انجام میشود. مثلا اگر فیلم مربوط به

خطه گیلان است؛ آیین شب یلدا در آن بر اساس آیین های

گیلانی برگزار شود.

## غزل گلپایی

۱- تشویق و دعوت افراد معروف رسانه های جمعی در حوزه فرهنگی و گردشگری به ترویج و احیا آداب و رسوم های مختلف

۲- طراحی تقویم با زمینه و تم استان های مختلف و رنگی کردن تاریخ های بخصوص جهت یادآوری مناسبت ها

۳- برگزاری مسابقات با جوایز خاص. برای مثال: مسابقه طراحی و نقاشی آثار ملموس یا نا ملموس استان گیلان با جایزه تور گیلان گردی

۴- غرفه های دائمی در شهر هر استان و طراحی این غرفه ها به صورت خانه های قدیمی و بومی استان و پوشیدن لباس محلی توسط غرفه داران و پخش موسیقی محلی و ارائه محصولات فرهنگی و بروشورهایی درباره فرهنگ و آیین های اون استان در زمان پیک تعطیلات

## نغمه رفعتی

برای شناسایی آداب و رسومی که تحریف شده به نظر تبلیغات خیلی موثره.

- این تبلیغات میتونه انواع مختلفی داشته باشه و یکی از اونا میتونه استفاده از صدا و سیما باشه. مثلا فیلمایی ساخته بشه متناسب با همون استان و شهر که هدف اصلیش نشون دادن آداب و رسوم مختص همون شهر یا استان باشه.

- اگر فستیوال یا تئاتری برگزار میشه در این رابطه، حتما صدا و سیما حضور داشته باشه و پوشش بده.

- موسیقی هایی ساخته بشه که در آن از آداب و رسوم و افسانه های قدیمی گفته بشه.

- آداب و رسوم و داستان ها و افسانه های قدیمی به صورت یه چیز منسجم مانند کتاب یا فایل صوتی در بیان و و

دقیقی به عنوان وقت استراحت در مدارس خونده بشه.

یعنی هر استان متناسب با آداب و رسوم خودش و نه به قصد تدریس چون نتیجه عکس میده. این کار باعث میشه که این آداب و رسوم از کودکی در ذهن ها نهادینه شود.

- و یا میتونیم از دانش آموزان بخواهیم که این داستان ها و آداب و رسوم را در قالب نمایش اجرا کنند. «در مقطع

ابتدایی و دبستان»

- در فضای مجازی هم اینفلوئنسر و بلاگر های پر مخاطبی هستند که تو حوزه های مختلفی مشغول به کار میباشند، در صورتی که بلاگر هایی که در این حوزه باشن به صورت خوب و حرفه ای نداریم و روی این موضوع هم میتون کار های زیادی انجام داد.

### فرزانه پورطالب

-بازی ها و سرگرمی های فراموش شده میتونن از طریق برگزاری مسابقات در سطح استان و یا حتی کشور احیا بشن. این موضوع به دلیل اینکه خاطرات پدر مادرها یا پدربزرگ و مادر بزرگ ها رو زنده میکنه و خیلی نوستالژیه قطعاً مورد استقبال بیشتری قرار میگیرد و بچه ها و حتی بزرگتر ها میتونن توش شرکت داشته باشن.

-تو مدارس کارگاه های فرهنگی\_هنری برگزار شود و دانش آموزان نحوه ساخت صنایع دستی استان خودشان را تا حد ممکن یاد بگیرند و یک سایت یا اپلیکیشن برای فروش آن صنایع دستی برایشان ایجاد شود.» هم انگیزه ای برای یادگیری است و هم درآمدزایی و روحیه استقلال طلبی را آموزش میدهد.»

پولی هم که از این فروش به دست می آید؛ صرف خرید مواد اولیه کار بعد شود تا خانواده ها تحت فشار قرار نگیرند و برای آموزش این هنر ها هم میتوان از فعالان در این حوزه استفاده کرد تا آن ها نیز درآمدی داشته باشن.

### معصومه مهدوی

-در قدم اول باید از افرادی که در این زمینه تخصص دارند دعوت به همکاری شود و با برگزاری سمینار ها و کارگاه ها به دیگر افراد این اطلاعات انتقال داده شود. برگزاری این همایش ها و سمینار ها هم خود میتواند به صورت سنتی و با استفاده از نماد ها و سنت های محلی اجرا شود. به طور مثال پوشیدن لباس های محلی

-میتوان در فصول مختلف با همکاری ارگان های مختلف کارناوال هایی در مکان های پر تردد شهری صورت گیرد. مردم با حضور در این کارناوال ها و دیدن و شنیدن سنت ها و آداب و رسوم خود ترغیب به دانستن بیشتر میشوند.

- ما در عصری زندگی میکنیم که فضای مجازی و رسانه اهمیت بسیاری دارد. یکی از راه های تولید محتوا اینهاست. با ساخت برنامه هایی در این زمینه ، ساخت برنامه هایی تحت عنوان شب نشینی و قصه خوانی، بیان کردن آداب و رسوم از طریق افراد مسن و نامدار، میتوان قدمی در راستای احیای این آیین ها کرد.

-ایجاد هفته نامه یا ماهنامه هایی در این زمینه.  
-آموزش در سنین پایین عمیق تر خواهد بود؛ به همین دلیل میتوان برنامه هایی با این موضوع در مدارس تحت عنوان فوق برنامه ایجاد کرد.

### علیرضا نعمتی

تشکیل کارگروه های ویژه در استان ها برای حفظ آیین ها و آداب و رسوم «متشکل از اساتید و مسئولان و علاقه مندانو فعالان این حوزه»

-برگزاری آیین ها به صورت رویداد های استانی و منطقه ای و حتی ملی

-تولید محتوا در مورد آداب و رسوم و آیین های خاص و قرار دادن در دید عموم و رسانه های جمعی

-برگزاری نشست های آموزشی و توجیهی در رابطه با اهمیت حفظ آداب و رسوم بومی در جذب گردشگران

-تولید محصولات نمادین که در آن نماد هایی از آداب و سنن استفاده شده است

-برگزاری جشنواره و مسابقات بازی های محلی

-برگزاری جشنواره های پوشاک و تغذیه بومی محلی



قیمت : ۳۰۰۰ تومانی